



هم کلاسی  
[Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir)

## الدَّرْسُ الثَّانِي بِرُكُود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِيَّيْ مَسْئُولٌ وَ إِنْكُمْ مَسْئُولُونَ  
بی‌گمان من و شما مسئول هستید.

### الدَّرْسُ الثَّانِي (درس دوم)

إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ (قطعاً شما مسئول هستید.)

كَانَتْ سُمَيَّةُ بِإِنْتِظَارِ وَالِدَتِهَا بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ، سَمِيهَ پَسِ از پايان ساعت كار مدرسه منتظر مادرش بود.

وَ كَانَتْ حَجْرَاتُ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً؛ وَ اتاق‌های مدرسه بسته بود،

وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرُغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ. وَ مدير مدرسه و برخی از معلم‌ها منتظر بودند كه مدرسه از دانش آموزان خالی گردد.

عِنْدَئِذٍ سَمِعَتْ سُمَيَّةُ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ، در اين هنگام سميّه صدای كولر را از یکی از اتاق‌ها شنید، فَظَنَّتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفِّ آخِرِ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يَمَارِسْنَ نَشَاطًا حَرًّا؛ وَ عِنْدَمَا نَظَرَتْ بِدِقَّةٍ، وَجَدَتْ الْحُجْرَةَ فَارِعَةً وَ بَابَهَا مُغْلَقًا.

گمان کرد كه دانش آموزان كلاس ديگر در كلاس تقويته هستند، يا مشغول فعاليت آزاد هستند؛ و آن‌گاه كه با دقت نگاه كرد، اتاق را خالی و درش را بسته يافت.

فَدَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ، وَ طَلَبَتْ مِنْ سُمَيَّةِ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ. پس نزد مدير مدرسه رفت و او را از آنچه دیده بود باخبر کرد، مدير از او تشكر کرد و از سميّه درخواست كرد (خواست) چراغها و كولر را خاموش كند.

عِنْدَئِذٍ شَاهَدَتْ الْمُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَنْفِيَةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا.

در اين هنگام مدير دانش آموزی به نام فاطمه را دید؛ فاطمه (داشت) برای بستن شيرابی كه کمی باز بود می‌رفت.

وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِي، شَكَرَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سُمَيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ.

و در صبح روز بعد، مدير مدرسه در صف صبحگاه از سميّه و فاطمه به خاطر توجه آنها به تأسيسات عمومي سپاسگزارى كرد.

وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقِيَّةُ وَ سَأَلَتْ الْمُدْرَسَةَ:

وَ در زنگ دانش اجتماعي رقيه برخاست و از معلم پرسيد:

«مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ؟» منظور از تأسيسات عمومي چيست؟

أَجَابَتْ الْمُدْرَسَةُ: «هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا. إِذَا فَهَمْتَ مَعْنَاهَا، فَادْكُرِي لَنَا أَمْثَلَةً

لِلْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ.»

معلم پاسخ داد: همان جاهایی است كه دولت مالك آن می‌شود، و همه مردم از آن سود می‌برند. اگر (هرگاه) معنایش را فهمیدی برایمان برای تأسيسات عمومي مثال‌هایی ذكر كن.

أَجَابَتْ رُقِيَّةُ : «الْمَدَارِسُ وَالْهُؤَانِفُ الْعَامَّةُ وَالْمُسْتَشْفِيَاتُ وَالْمُسْتَوْصَفَاتُ وَالْمَتَاحِفُ وَالْمَكْتَبَاتُ وَدَوْرَاتُ الْمِيَاهِ وَالْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَالْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَأَعْمَدَةُ الْكَهْرَبَاءِ...»  
 رقیه پاسخ داد: مدرسه‌ها، تلفن‌های عمومی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، سرویس‌های بهداشتی، پارک‌ها، درختان کنار پیاده رو و تیرهای برق...

أَجَابَتِ الْمُدْرَسَةُ: «أَحْسَنْتِ، وَالْحِفَاظُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَاقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَطِنٍ.»  
 خانم معلم پاسخ داد: آفرین بر تو و نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی (هم میهنی) واجب است.

سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعَجُّبٍ: «لِمَ وَكَيْفَ؟! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوْلَةِ»  
 دختران دانش آموز(دانش آموزان) با شگفتی پرسیدند: چرا و چگونه؟! آن وظیفه دولت است.

قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ: «بَلْ هِيَ مَسْئُولِيَّةٌ مُشْتَرَكَةٌ، فَسَمِيَّةُ الَّتِي أُطْفِئَتِ الْمَكْيِفُ وَالْمَصَابِيحُ؛  
 خانم معلم گفت: البته آن مسئولیتی مشترک است، سمیه که به خاموش کردن کولر و چراغها پرداخت؛

وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَغْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ وَالطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمَدْرَسَةِ فَتُحَافِظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نِظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيبِهَا،

و فاطمه که شیرآب را بست و دانش آموزی که وارد کتابخانه مدرسه می‌شود پس آرامش آن و پاکیزگی کتاب‌ها و ترتیب آنها را حفظ می‌کند؛

وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النِّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ هُوَ لَاءِ يِعْمَلْنَ بِوَأَجَابَتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْئُولِيَّةِ.  
 و آنی که (دانش‌آموزی که) نصیحت می‌کند کسی را که زباله در غیر جای مناسب می‌اندازد؛ اینها مانند شهروندانی که احساس مسئولیت می‌کنند به وظیفه‌شان عمل می‌کنند.

قَامَتْ سُمَيَّةُ وَ قَالَتْ: «أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَةُ هَذَا الْحَدِيثِ عَلَى اللُّوْحَةِ الْجِدَارِيَّةِ؟!

إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبُهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سمیه برخاست و گفت: «آیا نوشتن این حدیث روی روزنامه دیواری مناسب نیست؟!

قطعاً شما مسئول هستید حتی در مورد زمین‌ها و چارپایان.»

قَبِلَتِ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ: «هَذَا الْاِقْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَنَتَعَاوَنُ جَمِيعاً عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ.»

خانم مدیر پذیرفت و گفت: این پیشنهاد خوب است و همگی برای عمل به این حدیث شریف همکاری خواهیم کرد.

## ☆ المَعْجَم ☆ برگرد

قام: برخاست مارس: انجام داد، تمرین کرد مرافق عامة: تأسیسات عمومی مغلّق: بسته شده مكيف الهواء: کولر مواطن: شهروند، هم میهن نشاط: فعالیت نصح: پند داد نفاية: زباله هُدوء: آرامش هاتف: تلفن	تعاون: همیاری کرد تيار: جریان حافظ: نگهداری کرد حجرات: اتاق‌ها حر: آزاد، آزاده حصّة: زنگ درسی، قسمت حافظ علی: نگهداری از حنفية الماء: شیر آب دوام مدرسي: ساعت کار مدرسه دورة المياه: سرویس بهداشتی رمی: پرت کرد عندئذ: در این هنگام فرغ: خالی شد	أحسنت: آفرین بر تو أخبر: خبر داد اصطفا ف صباحي: صف صبحگاه أطفأ: خاموش کرد أعمدة: ستون‌ها «مفرد: عمود» أغلق: بست اقترح: پیشنهاد امتلك: مالک شد أنتفح: سود برد بهائم: چارپایان (به جز درندگان) «مفرد: بهیمة» بقاع: قطعه‌های زمین «مفرد: بقعة»
--	--	---

## 📖 حَوْلِ النَّصِّ برگرد

- 👉 عَنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطِّ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید. ✓ ✘
- ۱- كَانَتْ سُمَيَّةُ بِإِنْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَنْزِلِ. ✓  
سمیه برای رفتن به خانه منتظر مادرش بود.
  - ۲- ذَهَبَتِ الْمُدِيرَةُ نَفْسَهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَالْمُكَيِّفِ. ✘  
مدیر خودش برای خاموش کردن چراغ‌ها و کولر رفت.
  - ۳- أَخْبَرَتْ سُمَيَّةُ مَدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ بِمَا شَاهَدَتْ فِي الْحُجْرَةِ. ✓  
سمیه به مدیر مدرسه خبر داد آنچه را که در اتاق دیده بود.
  - ۴- الْمَرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ. ✘  
تأسیسات عمومی همان مکان‌هایی است که برخی مردم آن را مالک می‌شوند.
  - ۵- شَكَرَتِ الْمُدِيرَةُ فِي الْأَصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ. ✘  
مدیر در صف صبحگاهی از همه دانش‌آموزان سپاسگزاری کرد.

## هـ اِعلَمُوا هـ برگرد

### الأعدادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الأعدادُ الأصليَّةُ (واحدٌ إلى عشرين)	الأعدادُ الترتيبيةُ (الأولُ إلى العشرين)	العقودُ
واحد / واحدة ١	الأولُ / الأولى يكُم	عشرون - عشرون ٢٠
اثنان / اثنتان ٢	الثاني / الثانية دوم	ثلاثون - ثلاثون ٣٠
ثلاثة / ثلاث ٣	الثالثُ / الثالثة سوم	أربعون - أربعون ٤٠
أربعة / عشر / أربع عشرة ٤	الرابعُ / الرابعة چهارم	خمسون - خمسون ٥٠
خمسة / عشر / خمس عشرة ٥	الخامسُ / الخامسة پنجم	ستون - ستون ٦٠
سبعة / سبع / سبع عشرة ٧	السادسُ / السادسة ششم	سبعون - سبعون ٧٠
ثمانية / ثمان / ثمان عشرة ٨	الثامنُ / الثامنة هشتم	تسعون - تسعون ٩٠
عشرة / عشر / عَشْرَة ١٠	العاشرُ / العاشرة دهم	

١- به کلمات «رجال» و «كوكبا» در «خمسهُ رجال» و «أحد عشر كوكبا» محدود گفته می‌شود.

٢- گاهی عددهای ثلاثه تا عَشْرَة بدون «ه» می‌آیند؛ مثال: ثلاث و ثلاثة؛ اربع و أربعة.

٣- «مئة» به معنای «صد» به صورت «مائة» نیز نوشته می‌شود.

٤- عددهای «عشرون، ثلاثون، أربعون، خمسون، ستون، سبعون، ثمانون، تسعون» عقود نام دارند.

٥- عقود با «ون» و «ین» می‌آید؛ مثال: أربعون و أربعين (فرق این دو را در درس‌های آینده خواهید خواند).

٦- «واحد، واحدة» و «اثنان، اثنین، اثنتان، اثنتین» بعد از محدود می‌آیند؛ مثال: سائح واحد، عُصنان اثنان، امرأتین اثنتین.

٧- محدود سه تا ده مضافٌ الیه و به صورت جمع است؛ مثال: ثلاثة كُتُب.

٨- به عددهایی مانند واحد و عشرون، اثنان و عشرون معطوف گفته می‌شود.

٩- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می‌آید؛ مثال:

أربعه و خمسون (٥٤)، تسعة و سبعون (٧٩)

١٠- محدود عددهای «یازده» تا «نود و نه» مفرد هستند؛ مثال:

أحد عشر كوكبا، تسعة و تسعون يوماً.

١- طرح سؤال از مبحث عدد، خارج از ده نکته فوق در هر آزمونی به ویژه در کنکور خلاف اهداف آموزشی است.

## کھ اختیر نفسک: تَرْجِمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

سی شب	۱- ﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الْأَعْرَافُ: ۱۴۲
هفتاد مرد	۲- ﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الْأَعْرَافُ: ۱۵۵
پانزده تندیس	۳- خَمْسَةَ عَشَرَ تَمَثَالًا
بیست و یک دانشگاه	۴- وَاحِدَةٌ وَعَشْرُونَ جَامِعَةً
شانزده شهر	۵- سِتِّ عَشْرَةَ مَدِينَةً
نود و نه گاو	۶- تِسْعَ وَتِسْعُونَ بَقَرَةً
سی و هفت باغ	۷- سَبْعَ وَثَلَاثُونَ حَدِيقَةً
هفتاد و یک روستا	۸- وَاحِدَةٌ وَسَبْعُونَ قَرْيَةً
هشتاد و دو سال	۹- اثْنَانِ وَثَمَانُونَ عَامًا
بیست و نه صندلی	۱۰- تِسْعَةَ وَعَشْرُونَ كُرْسِيًّا

□ در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### جواز برگرد

في مطار النجف الأشرف

در فرودگاه نجف اشرف

◆ سائِحٌ مِنْ إِيْرَانٍ (گردشگری از ایران)	◆ سائِحٌ مِنْ الْكُوَيْتِ (گردشگری از کویت)
◆ اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ . سلام عليكم	◆ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ. درود و رحمت خداوند و برکاتش بر شما
◆ مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي. عصر به خیر. دوست من،	◆ مَسَاءَ النُّورِ يَا عَزِيزِي. عصر به روشنایی، عزیز من
◆ هَلْ حَضَرْتَكِ مِنَ الْعِرَاقِ؟ آیا جنابعالی اهل عراقی؟	◆ لَا أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتِ مِنَ بَاكِسْتَانِ. نه، من اهل کویتم. آیا تو اهل پاکستانی؟
◆ لَا، أَنَا إِيْرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتِ لِلزِّيَارَةِ؟ نه، من ایرانی‌ام. چند بار برای زیارت آمدی؟	◆ جِئْتِ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتِ أَنْتِ؟ بار اوله آمدم؛ و تو چند بار آمدی؟
◆ أَنَا جِئْتِ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ. مِنْ بَرای بَارِ دَوِّمِ آمَدِهَامِ.	◆ كَمْ عُمْرُكَ؟ چَند سَالْتَه؟
◆ عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا. شَانزده ساله ام.	◆ مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتِ؟ تُو از كدام شَهري؟
◆ أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جَوِيْبَارِ فِي مَحَاظَةِ مازندران. من اهل شهر جویبار در استان مازندرانم.	◆ مَا أَجْمَلُ غَابَاتِ مازندران وَ طَبِيعَتِهَا! جنگل‌های مازندران و طبیعتش چه زیباست!
◆ هَلْ ذَهَبْتِ إِلَى إِيْرَانٍ مِنْ قَبْلُ؟! آیا پیش از این به ایران رفته‌ای؟	◆ نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرِّضَا، ثَامِنِ أُمَّتِنَا (ع). بله؛ برای زیارت امام رضا(ع)، هشتمین امامان رفته‌ام.
◆ كَيْفَ وَجَدْتِ إِيْرَانَ؟ ایران را چگونه یافتی؟	◆ إِنَّ إِيْرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جَدًّا، وَ الشُّعْبُ الْإِيْرَانِيَّ شَعْبٌ مِضِيافٌ. ایران سرزمین بسیار زیبایی است، و مردم ایران، مردمی مهمان‌دوست هستند.

## کھ التمارین برگرد

● التمرین الأول: اکتب العمليات الحسابية التالية كالمثال. (عمليات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس).

ضرب في ✖      تقسیم علی      ناقص =      زائد +

۱- عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.  
ده ضربدر سه مساوی با سی می شود.

۲- تَسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةَ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.  
نود منهای ده مساوی با هشتاد می شود.

۳- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عَشْرِينَ.  
صد تقسیم بر پنج مساوی با بیست می شود.

۴- سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.  
شش ضربدر یازده مساوی با شصت و شش می شود.

۵- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةَ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.  
هفتاد و پنج بعلاوه بیست و پنج مساوی با صد می شود.

۶- إِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.  
هشتاد و دو تقسیم بر دو مساوی با چهل و یک می شود.

● التمرین الثاني: اکتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً. (در جای خالی عدد ترتیبی مناسب بنویس)

۱- أَلْيَوْمَ الثَّانِي مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْأَحَدِ.  
روز دوم هفته، روز یکشنبه است.

۲- أَلْيَوْمَ السَّادِسُ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.  
روز ششم هفته، روز پنجشنبه است.

۳- أَلْفَصْلُ الرَّابِعُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشَّتَاءِ.  
فصل چهارم سال در ایران، فصل زمستان است.

۴- أَلْفَصْلُ الثَّلَاثُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ.  
فصل سوم سال در ایران، فصل پاییز است.

۵- يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَازَةً دَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ الثَّانِي جَازَةً فَضِيَّةً.  
برنده اول جایزه طلایی و برنده دوم جایزه نقره‌ای می گیرد.



● التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

- |                    |   |
|--------------------|---|
| ۱- اَلنَّشَاطُ     | ⑤ إعطاءُ حَلٍّ وَ بَيَانُ طَرِيقَةِ لِقِيَامِ بِعَمَلٍ. |
| ۲- اَلدَّوَامُ     | ④ آلَةٌ لِنَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ. |
| ۳- اَلْحِصَّةُ     | ② سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمَوْظُفِينَ وَ الْعُمَّالِ.    |
| ۴- اَلْهَاتِفُ     | ⑥ هُوَ الَّذِي يَعِيشُ مَعَنَا فِي وَطَنِ وَاحِدٍ.      |
| ۵- اَلْأَفْتِرَاحُ | ① عَمَلٌ يَتَحَرَّكُ وَ سُرْعَةٌ.                       |
| ۶- اَلْمَوْاطِنُ   |   |

۱- اَلنَّشَاطُ : عَمَلٌ يَتَحَرَّكُ وَ سُرْعَةٌ.

فَعَالِيَت: كَارِي بَا حَرَكَتِ كَرْدَن وَ سَرَعَت

۲- اَلدَّوَامُ : سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمَوْظُفِينَ وَ الْعُمَّالِ.

سَاعَتِ كَار: سَاعَاتِ كَارِي كَارْمَنْدَانِ وَ كَارْگَرَانِ

۳- اَلْحِصَّةُ: «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

زَنگِ دَرَسِي، قَسَمَت

۴- اَلْهَاتِفُ: آلَةٌ لِنَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ.

تَلْفَنِ وَسِيلَهُ اِي بَرَايِ اَنْتِقَالَ صَدَاهَا اَزْجَايِي بِه جَايِي دِيگَرَاَسْت.

۵- اَلْأَفْتِرَاحُ : إعطاءُ حَلٍّ وَ بَيَانُ طَرِيقَةِ لِقِيَامِ بِعَمَلٍ.

پِيشنَهَاد: دَادَن رَاهِ حَلِّ وَبَيَانِ رُوشِي بَرَايِ اِقْدَامِ بِه كَارِي اَسْت.

۶- اَلْمَوْاطِنُ: هُوَ الَّذِي يَعِيشُ مَعَنَا فِي وَطَنِ وَاحِدٍ.

شَهْرُوند، هَمِ مِيهِن: هَمَانِ كَسِي كِه بَا مَا دَرِ يَكِّ وَطَنِ زَنْدِگِي مِي كَنْد.

● التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

( دَرِ جَايِ خَالِي كَلِمَهَايِ مُنَاسِبِ اَزْ كَلِمَاتِ زَيْرِ رَا قَرَارِ دِهِيْد. ) «دُو كَلِمَه زَائِدِ اَسْت»

[ عَشْرَةٌ، عَشْرِينَ ]

عَشْرَ / اَلْهُدُوۡءِ / خَمْسِيْنَ / اَعْمِدَةٌ / اَخْبَرْنَا / مِضِيَاۡفِ / حُجْرَةٌ / يَمْتَلِكُ / فَرَعْتُ

۱- ﴿وَ لَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلَى قَوْمِهِ فَلَئِيۡتَ فِيهِمْ اَلْفَ سَنَةٍ اِلَّا عَمَّاۗءَ الْعَنۡكَبُوۡتِ: ۱۴﴾ پاسخ: خَمْسِيْنَ

وَ قَطْعًا مَا نُوحِ رَا بِه سُوِي قَوْمِش فَرَسْتَا دِيْمِ پَس اُو دَرِ مِيَاَنِ اَنَانِ ۹۵۰ سَالِ اِقَامَتِ كَرْد.

۲- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ ..... اَمۡثَالُهَا﴾ اِنْعَام: ۱۶۰﴾ پاسخ: عَشْرَ

هَرِ كَسِ نِيكِي بِيَاوَرْدِ پَسِ دِهِ بَرَا بَرِ اَنِ دَارْد.

۳- سَاْفَرْنَا اِلَى قَرِيۡبَةٍ، لِاَنَّنا بِحَاجَةِ اِلَى .....﴾ پاسخ: اَلْهُدُوۡءِ

بِه رُوسْتَا سَفَرِ كَرْدِيْم، زَيْرَا مَا بِه اَرَامِش نِيَاَزِ دَاشْتِيْم.

۴- اَلْجَبْرَانُ ..... مِمَّا حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ.﴾ پاسخ: اَخْبَرْنَا

هَمَسَايِگَانِ مَا رَا اَزْ اَنچِه دَرِ خِيَا بَا نِ رَخِ دَادِ بَا خَبَرِ كَرْدَنْد.

۵- اُنزَلَ الْعَامِلُ الْبَضَائِعَ فَ... السَّيَّارَةُ. پاسخ: فَرَعَتْ  
کارگر کالاها را پایین آورد پس ماشین خالی شد.

۶- هَلْ ..... أَبُوكَ أَرْضاً فِي الْقَرْيَةِ؟ پاسخ: يَمْتَلِكُ  
آیا پدرت مالک زمینی در روستا می‌شود؟

۷- لَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ ..... فَارِغَةً. پاسخ: حُجْرَةً  
در هتل یک اتاق خالی نیست.

۱- أَرْسَلْنَا: فرستادیم ۲- لَبِثْتُ: درنگ کرد ۳- جَاءَ بِ: آورد

● التَّمْرَيْنِ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ...  
(عبارات زیر را ترجمه کن.) آیا می‌دانی که ...

۱- الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟  
سگ از فاصله ۴۰ قدمی قادر به شنیدن صدای ساعت می‌باشد؟

۲- النَّمْلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟  
مورچه می‌تواند چیزی ۵۰ برابر بالاتر از وزن خود را حمل کند؟

۳- ثَمَانِينَ فِي الْمَنَّةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟  
هشتاد درصد موجودات جهان حشرات هستند؟

۵- طَوَّلُ قَامَةِ الزَّرَّافَةِ سِتَّةُ أَمْتَارٍ؟ (أَمْتَارٌ: جمع متر)  
طول قد زرافه ۶ متر است؟

۶- الْغُرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ؟  
کلاغ ۲۰ تا ۳۰ سال یا بیشتر زندگی می‌کند؟

● التَّمْرَيْنِ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْعَدَدَ أَوْ الْمَعْدُودَ الصَّحِيحَ لِلْفِرَاقِ.

۱- فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ وَقَفْنَا فِي ..... صُفُوفٍ.  
عَشْرَةَ - الْعَاشِرِ

ترجمه: در صف صبحگاهی در ده صف ایستادیم. پاسخ: عَشْرَةَ

۲- يَلْعَبُ أَحَدُ عَشْرَ ..... فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْقَدَمِ.  
لَاعِبِينَ - لَاعِبًا

ترجمه: یازده بازیکن در تیم فوتبال بازی می‌کنند. پاسخ: لَاعِبًا

۳- أَرْبَعَةٌ ..... وَاقِفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْظَمَةِ.  
جُنُودٍ - جُنُودِي

ترجمه: چهار سرباز در پادگان ایستاده‌اند. پاسخ: جُنُودٍ

۴- تَيَّارَ الْكَهْرَبَاءِ فِي ..... حُجْرَاتٍ مَقْطُوعٍ.  
الرَّابِعِ - أَرْبَعِ

ترجمه: جریان برق در چهار اتاق قطع شده است. پاسخ: أَرْبَعِ

۵- ..... اثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ.  
قَمَرَانِ - أَقْمَارُ

ترجمه: دو ماه پیرامون سیاره مریخ هست. پاسخ: قَمَرَانِ

۶- ..... وَاحِدَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ مُغْلَقَةٌ.  
أَنْبُوبَةٌ - أَنْبُوبِ

ترجمه: یک لوله در باغ بسته شده است. پاسخ: أَنْبُوبَةٌ

## الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

برگرد

اُكْتُبَ آيَةٌ أَوْ حَدِيثًا أَوْ نَصًّا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ مَسْئُولِيَّةِ جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ بِالنِّسْبَةِ لِلرَّوَاتِ الْوَطَنِ وَالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ وَالْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ وَ اُكْتُبَ تَرْجَمَتَهَا الْفَارْسِيَّةَ وَالْإِنْجِلِيزِيَّةَ مُسْتَعِينًا بِمَعْجَمٍ.



الْجَانِبُ الشَّرْقِيُّ مِنْ بُسْتَانِ إِثْلِ غُولِي فِي مَدِينَةِ تَبْرِيزِ.

تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
Safeguard the earth, for it is your mother.

از زمین نگهداری کنید؛ زیرا مادرتان است.



اترك المكان نظيفا لينعم به غيرك

Keep the place clean for others to enjoy it

مکان را پاکیزه نگه دار تا دیگران از آن بهره ببرند.



ترجمه به زبان انگلیسی

In my opinion there are many useful ways to caring of historical and public places, one of theme is keeping clean these places such as this:

We are not allowed to throw away trash in there and people should avoid smoking in these places

And another thing we should keep in the mind is that we don't must whrite any note on the walls of these places

And it is against the low to sell historical traces(things) to other countries.

ترجمه به زبان فارسی

به نظر من راه‌های مفید زیادی برای مراقبت از مکان‌های تاریخی و عمومی وجود دارد یکی از آنها تمیز نگه داشتن این مکانها هست؛ بعنوان مثال:

ما اجازه نداریم زباله در آنجا بریزیم و مردم باید از سیگار کشیدن در این مکانها بپرهیزند،

و یک چیز دیگر که ما باید در ذهنمان نگه داریم این است که ما نباید هیچ یادداشتی روی دیوارهای این مکانها بنویسیم

و آن برخلاف قانون هست که آثار تاریخی را به کشورهای دیگر بفروشیم.